

سیاست جنایی قضایی افغانستان در قبال جرایم مالی کارکنان دولتی

محمد نعیم شریفی*

چکیده

به منظور مبارزه با جرایم علاوه بر قانون ماهوی خوب به نهادهای قضایی مستقل و تشریفات رسیدگی مناسب ضروری است؛ زیرا اقدامات سنجیده در مراحل رسیدگی و سازوکارهای قضایی مناسب، در موفقیت سیاست جنایی تقنینی و اجرایی در قبال جرایم، اهمیت بسیار زیادی دارد. اقدامات یاد شده به عنوان سیاست جنایی قضایی در مورد جرایم شغلی و فساد مالی کارکنان دولتی اما دارای اهمیت و حساسیت بیشتری می‌باشد، از این رو، توجه به تدابیر افتراقی و ویژه در مراحل دادرسی در زمینه جرایم یاد شده، همواره مورد تأکید دولت‌ها و حقوقدانان است. در این تحقیق، سیاست جنایی قضایی افغانستان در قبال جرایم مالی کارکنان دولتی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مطالعه قوانین و مقررات مربوط به نحوه رسیدگی نهادهای قضایی افغانستان در مورد جرایم یاد شده بیانگر یک سیاست جنایی افتراقی در این زمینه است. وجود محاکم خاص و تخصصی، ایجاد ثارنوالی (دادسرا) و پلیس اختصاصی، تدابیر خاصی مانند؛ ممنوعیت استفاده از نهادهای تخفیف و تعلیق مجازات در مرحله محاکمه و استفاده از روش‌های خاص برای اثبات و کشف جرم از جلوه‌های سیاست جنایی افتراقی افغانستان در قلمرو جرایم مالی کارکنان دولت در مراحل دادرسی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، مراجع قضایی، مراحل دادرسی، جرایم مالی، کارکنان دولتی، افغانستان

مقدمه

برای تحقق عدالت در جامعه، هم به قانون ماهوی خوب نیاز است و هم به قاضی صالح و تشکیلات و ضوابطی که بی طرفی و استقلال قضا را تأمین نماید؛ زیرا هرچند قانون ماهوی عادلانه و خردمندانه باشد اما به وسیله یک مقام عادل و تشریفات اجرایی درست اجرا نشود، مردم احساس عدالت نخواهند کرد (دانش، ۱۳۹۱: ۷۰۴). در مقام مبارزه با فساد مالی و جرایم کارکنان دولتی نیز تنها پیش بینی پاسخ‌های ماهوی مناسب کافی نیست، بلکه علاوه بر آن نیازمند تدابیر شکلی و اجرایی مناسب است.

اگر برای اجرای درست پاسخ‌های ماهوی و واکنش‌های کیفری سازوکارهای مناسبی در مرحله دادرسی و اجرای مجازات پیش بینی نگردد، مبارزه با این پدیده موفقیت آمیز نخواهد بود. به همین دلیل پاسخ‌های شکلی و تشریفات دادرسی در کارآیی سیاست کیفری نقش بسیار مهم دارد. از این رو، پرسش اصلی در این جا این است که سیاست جنایی قضایی افغانستان در قبال جرایم مالی کارکنان دولت چیست؟ به عبارت دیگر، دولت افغانستان در مرحله دادرسی برای مبارزه با فساد مالی کارکنان دولت چه تدابیری را پیش بینی کرده است؟

در این مقاله، به هدف پاسخ‌دهی به پرسش یاد شده، سیاست جنایی قضایی افغانستان در قبال جرایم مالی کارکنان دولت، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و تلاش شده است که در این زمینه مراجع صالح به رسیدگی در مورد جرایم یاد شده شناسایی گردد و تشریفات و سازوکارهای قضایی و تدابیر حاکم در مراحل پیش از محاکمه، مرحله محاکمه و اجرای حکم در قلمرو جرایم مالی کارکنان دولت بر اساس قوانین کیفری افغانستان، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

الف: مفهوم شناسی

در ابتدا لازم است برای فهم درست از موضوع تحقیق، مفاهیم و واژه‌های که نقش اساسی در پژوهش دارند، شناسایی و ابعاد و گستره آنها بررسی گردد. از این رو، در اینجا اصطلاح سیاست جنایی قضایی، جرایم مالی و کارکنان دولتی، به عنوان مفاهیم اساسی در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱) سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی باتوجه به تحولات تاریخی آن، دارای دو مفهوم مضیق و موسع می‌باشد؛ در مفهوم مضیق عبارت است از «مجموعه شیوه‌ها و ابزارهای جزایی و سرکوبگرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد» (لازرژ، ۱۳۹۵: ۱۱). این تعریف در حقیقت بیانگر همان سیاست کیفری است که امروزه یکی از زیر مجموعه‌های سیاست جنایی به‌شمار می‌آید و تنها شامل اقداماتی است که نظام کیفری از طریق نهادهای قضایی و با به کار بستن قوانین بدان می‌پردازد و ابزار سیاست کیفری معمولاً مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۱). اما سیاست جنایی در مفهوم امروزی و موسع عبارت است از: «مجموعه روشهایی که به وسیله آن، بدنه اجتماع (هیأت اجتماع) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازماندهی می‌کند» (لازرژ، پیشین: ص ۱۶). این تعریف شامل کلیه تدابیری است که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و نهادهای اجتماعی دیگر اتخاذ و سازماندهی می‌گردد.

سیاست جنایی در یک تقسیم بندی و بر اساس کنشگران دخیل در تعیین و اعمال آن و ابزارهای مورد استفاده، بر سه گونه است؛ سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی اجرایی. سیاست جنایی تقنینی به این معنا است که دولت با قانون‌گذاری و استفاده از ابزار قوانین (اعم از قانون اساسی، قوانین جزایی و آئین دادرسی کیفری) رفتارهای مجرمانه را جرم‌انگاری می‌کند و برای آنها مجازات تعیین می‌نماید. سیاست جنایی قضایی به این معنا است که قوه قضاییه با محاکمه و محکوم نمودن مرتکبان عمل مجرمانه را (بر اساس قوانین) به مقابله قضایی با جرم می‌پردازد و نیز از ابزارهای قضایی که مقام قضایی در اختیار دارد استفاده می‌کند؛ مانند مجازات جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی، مراد از سیاست جنایی اجرایی آن است که قوه اجراییه در قالب پلیس و سارنوالی (دادسرا) (بر اساس قوانین) به کشف، تحقیق و تعقیب جرم می‌پردازد (علامه، ۱۳۹۰: ۲۵۸).

۲) جرایم مالی

اصطلاح «جرایم مالی» در حقوق جزا، به جرایمی اطلاق می‌شود که مرتبط با «مال» باشد؛ اعم از اینکه مال موضوع جرم باشد و یا وسیله ارتکاب آن (مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۴۹). و همچنین نقض مالکیت اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی)، غیر خشن بودن، توسل به تقلب و پنهان کاری، برنامه ریزی قبل از ارتکاب جرم، از ویژگی‌های این نوع جرایم است (الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۴: ۱۶). جرایم مالی به لحاظ مرتکب دو گونه

است؛ برخی صرفاً از سوی کارکنان دولتی قابل تحقق می‌باشند و ارتکاب آن‌ها از سوی افراد عادی ممکن نیست و برخی دیگر این محدودیت را ندارند و کلیه افراد جامعه در معرض ارتکاب آنها قرار دارند، به عنوان نمونه؛ تصرف غیر قانونی در اموال دولتی جرمی است که تنها امکان تحققش از سوی کارمند دولت قابل تصور است (مهاجری، ۱۳۷۹: ۱۹). در مقابل؛ جرایم مانند سرقت از جرایمی است که امکان وقوعش هم از طرف کارمند و هم از سوی غیرکارمند وجود دارد. بنابراین در تعریف جرایم مالی کارکنان دولت می‌توان گفت: «جرایم مالی کارکنان دولت جرایمی مالی هستند که از سوی کارکنان دولت به اعتبار شغل و وظیفه اداری آنها واقع می‌شوند».

۳) کارکنان دولتی

اصطلاح کارکنان و یا مستخدم عمومی در رشته‌های مختلف حقوق در معنای کم و بیش متفاوتی به کار رفته است ولی در حقوق جزا و حقوق اساسی نسبت به حقوق اداری، دارای مفهوم وسیع‌تری می‌باشد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۱۶۷). در حقوق جزا به منظور حمایت از کارکنان دولت در حوزه کاری آن‌ها و نیز به هدف رسیدگی به تخلفات و جرایم ارتكابی از سوی آن‌ها، مفهوم وسیعی از کارکنان دولت نسبت به حقوق اداری مراد است، بدین جهت اصطلاح موظف عمومی در حقوق جزا بیش‌تر به کار می‌رود؛ زیرا برخی اوصاف جرم مانند رشوه، اختلاس و خیانت تنها در مورد موظفین عامه و مفهوم موسع کارکنان دولت صدق می‌کند (محمدی‌تمکی، ۱۳۹۰: ۴۱۱). در قانون جزای جدید افغانستان چنین آمده است: «موظف خدمات عامه: شخصی است که به اجرای خدمات عامه توظیف گردیده و شامل اشخاص ذیل می‌باشد: ۱- کارکن دولت، تصدی‌ها و شرکت‌های دولتی؛ ۲- کارکن موسسه‌های عامه؛ ۳- اعضای ارکان دولت و اعضای نهادهای انتخابی؛ ۴- قاضی، سارنوال، وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود و سایر اشخاصی که تصادیق شان معبر شناخته شود» (کد جزا؛ بند ۴ ماده ۴).

ب: مراجع صالح به رسیدگی در مورد جرایم مالی کارکنان دولت

مطالعه تحولات قوانین افغانستان در زمینه نظام دادرسی و نهادهای قضایی نشان می‌دهد که این کشور در طول تاریخ صد سال اخیر دو نوع سیستم قضایی را تجربه کرده است. یک، نظام قضایی دوگانه و مدل فرانسوی. دو، نظام واحد قضایی و مدل آنگلو ساکسون. در افغانستان تا (سال ۱۳۴۳ش) محاکم دوگانه یعنی محاکم اداری در کنار محاکم عدلی و شرعی فعالیت داشته اند؛ محاکم اداری تنها به دعاوی علیه دولت و مأموران و جرایم و تخلفات مرتبط با شغل و وظیفه مأموران، رسیدگی می‌کرده اند. اما با تصویب قانون اساسی ۱۳۴۳، سیستم قضایی دوگانه لغو گردیده و بر سیستم وحدت قضایی (مدل نظام انگلو ساکسون) تأکید شده است. هم‌چنین مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله محاکمه نیز تفکیک گردیده و بدین ترتیب صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی در مرحله محاکمه به محاکم شرعی (یا محاکم عدلیه) واگذار شده و برای رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی برای اولین بار، نهاد ثارنوالی پیش بینی گردیده است (قانون تنظیم

ثانوالی؛ ۱۳۴۳، مواد ۷ تا ۲۱؛ علامه، ۱۳۹۴: ۹۷-۱۰۰). پس از آن، سیستم واحد قضایی رسیدگی به پرونده‌های جزایی در قوانین اساسی بعدی (قانون اساسی ۱۳۵۶، ۱۳۵۹، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۹) نیز مورد پذیرش قرار گرفت و در دوران جمهوری اسلامی نیز همین سیستم واحد قضایی در قانون اساسی جدید، پذیرفته شد و صلاحیت عام رسیدگی به پرونده‌های جزایی به محاکم ابتدائیه واگذار شد (رک؛ قانون اساسی، ۱۳۸۲: مواد ۱۱۶ و ۱۲۰). البته در کنار محاکم عمومی محاکم خاص و موقت، برای محاکمه مقامات عالی کشور مانند رئیس جمهور، اعضای ستره محکمه و وزرا نیز پیش بینی گردید (همان: مواد ۶۹ و ۷۸ و ۱۲۲ و ۱۲۷). و همچنین مراحل رسیدگی نیز به طور مجزا پیش بینی شد، ثانوالی مسئول تحقیق و تعقیب گردید و اختیارات محاکم صرفاً در امر محاکمه و صدور حکم محدود شد (علامه، ۱۳۹۰: ۲۹). اما پس از آن با گسترش فساد اداری و باتوجه به اهمیت جرایم شغلی کارکنان دولت و پیامدهای زیان‌بار اجتماعی و مالی آن‌ها، در سال ۱۳۸۷ با تصویب قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، ثانوالی اختصاصی و دیوان اختصاصی برای مبارزه با جرایم فساد اداری و از جمله جرایم مالی کارکنان دولت، تأسیس شد. بنابراین اکنون مقام صالح برای رسیدگی به جرایم موظفین خدمات عامه (اعم از کارمندان جز و مقامات عالی حکومت و اعضای شوراها) نهادهای قضایی اختصاصی و محاکم خاص زیر می‌باشند:

۱) نهادهای قضایی خاص و موقت

بر اساس قانون اساسی، رسیدگی به جرایم رئیس جمهور، وزرا و اعضای دادگاه عالی از صلاحیت محاکم خاص می‌باشد، این محاکم به صورت موقت و با تشریفات خاص و متفاوت از دادگاه‌های عمومی تشکیل می‌شود و پس از انجام رسیدگی منحل می‌گردد. طبق ماده ۶۹ قانون اساسی، رئیس جمهور در مقابل ملت و ولسی جرگه، (مجلس نمایندگان) مسئولیت جزایی دارد، از این‌رو، در صورت اتهام به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت، بر اساس تشریفات خاص و تا حدودی پیچیده، موضوع جهت رسیدگی نهایی به محکمه خاص ارجاع داده می‌شود، محکمه خاص که متشکل از رئیس مشرانو جرگه (مجلس بزرگان) و سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر از اعضای دادگاه عالی به انتخاب لوی جرگه (شورای بزرگ ملی) می‌باشد. مسئولیت جزایی وزرا نیز در ماده ۷۸ قانون اساسی بیان شده است. بر اساس ماده یاد شده، هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا سایر جرایم متهم گردد و موضوع اتهام جهت رسیدگی با رعایت ماده ۱۳۴ همین قانون اساسی، به محکمه خاص محول می‌گردد. اما طبق «قانون محاکم خاص»، رسیدگی به جرایم وزرا در مرحله تحقیق از سوی دونفر سارنوال مسلکی، با تجربه و عالی رتبه زیر نظر لوی سارنوال انجام می‌شود. و در مرحله محاکمه توسط محکمه خاصی مرکب از سه عضو دادگاه عالی به تصویب شورای عالی همین دادگاه، صورت می‌گیرد (قانون محاکم خاص، ۱۳۹۲: بند ۱ ماده ۵ و ۱۱).

هم‌چنین طبق ماده ۱۲۷ قانون اساسی رئیس و اعضای ستره محکمه در مقابل جرایم ناشی از وظیفه و جنایت مسئولیت کیفری دارند و در صورت اتهام هر یک به جرایم فوق با تشریفات خاصی در محکمه خاص مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که؛ پس از طرح اتهام هر یک از رئیس یا عضو دادگاه عالی توسط یک سوم از اعضای ولسی جرگه در همین مجلس و در صورت موافقت دو سوم کل اعضای مجلس مذکور با این طرح، متهم از وظیفه عزل می‌شود. و طبق قانون محاکم خاص، به اتهام افراد مذکور در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط هیأت مرکب از چهار نفر؛ (یک نفر از اعضای ولسی جرگه و یک نفر از اعضای مشرانو جرگه که دارای سابقه کار در امور قضایی باشند به پیشنهاد رئیس و انتخاب اعضای عمومی آن دو مجلس و یک نفر از اعضای دادگاه عالی و لوی سارنوال)، رسیدگی صورت می‌گیرد. و در مرحله محاکمه در دادگاه خاصی متشکل از ۶ نفر (دو نفر از اعضای ولسی، دو نفر از مشرانو جرگه و دو نفر از اعضای دادگاه عالی) رسیدگی می‌شود (قانون محاکم خاص، پیشین: ماده ۵ و ۱۲).

(۲) ستره محکمه (دادگاه عالی)

مرجع رسیدگی به اتهام جنایت قضات (غیر از اعضای دادگاه عالی) بر اساس قانون اساسی جدید و قانون تشکیلات صلاحیت محاکم، ستره محکمه می‌باشد. ماده ۱۳۳ قانون اساسی در این زمینه چنین حکم می‌کند: «هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت وی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتی که ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می‌شود.» هم‌چنین در بند ۸ ماده ۲۴ قانون تشکیلات صلاحیت محاکم، رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد تخلفات جنایی و انتظامی قضات جزء صلاحیت‌های ستره محکمه شمرده شده است.

(۳) ثارنوالی (دادسرا) و محاکم اختصاصی مبارزه با فساد اداری

با گسترش فساد اداری و اهمیت مبارزه با آن و وجود فشارهای بین‌المللی و کشورهای کمک‌کننده برای بازسازی افغانستان، حکومت افغانستان اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه با فساد اداری را تأسیس کرد و در قانون این اداره (که از سوی هیأت مختلط شورای ملی در سال ۱۳۸۷ تصویب شده است) سارنوالی اختصاصی و دیوان اختصاصی را به منظور مبارزه مؤثر با فساد در قلمرو اداره‌های دولتی و خدماتی، پیش‌بینی نموده است. از این رو، اکنون بر اساس ماده ۱۹ قانون یاد شده، مرجع رسیدگی به جرایم فساد اداری و از جمله جرایم مالی مقامات و کارکنان دولت، (به جز مقامات و افراد که در دو مورد بالا بیان شد) در مرحله تحقیقات مقدماتی «سارنوالی اختصاصی» و در مرحله محاکمه «دیوان جزای اختصاصی مبارزه با فساد اداری» نهاد صالح می‌باشد.

ج: تشریفات خاص رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی

چنان‌که ذکر شد رسیدگی در مرحله قبل از محاکمه که شامل کشف جرم، تحقیق و تعقیب و اقامه دعوی در محکمه، می‌گردد، در جرایم مربوط به فساد اداری توسط پلیس مبارزه با جرایم سنگین و موظفین اداره عالی مبارزه با فساد اداری و ثارنوالی اختصاصی انجام می‌شود. رسیدگی در این مرحله نیز دارای تشریفات خاصی است که در ادامه بیان می‌گردد.

۱) اسباب تحریک دعوی و تعقیب در جرایم مالی کارکنان دولت

پیش از آن که مرجع تعقیب و تحقیق، اقدام به تحقیقات مقدماتی نماید باید مطابق قانون صلاحیت شروع به تحقیق را داشته باشد، بر اساس (ماده ۵۶ قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۳۹۳) تعقیب دعوی جزایی بر اساس عوامل ذیل آغاز می‌شود: ۱- مشاهده جرم در هنگام ارتکاب آن ۲- استغاثه و طلب نجات ۳- اطلاع از وقوع جرم یا مشاهده آثار و علائم آن توسط اشخاص به یکی از مراجع کشفی و تحقیق یا در خواست جبران خساره ناشی از جرم از طرف مدعی حق العبد. ۴- شکایت مراجع یا اشخاص ۵- در خواست مراجع رسمی ۶- اطلاعات ادارات، مؤسسات و سایر اشخاص حکمی مبنی بر ارتکاب جرم در ساحه مربوطه ۷- مشاهده علائم و آثار جرم توسط ثارنوالی ۸- نشر و پخش موضوعات مبنی بر ارتکاب جرم از طریق رسانه‌های همگانی ۹- اظهار و اقرار متهم. و بر اساس ماده ۱۳ (تبصره ۱ بند ۱) قانون تشکیل و صلاحیت ثارنوالی (مصوب ۱۳۹۲) ثارنوالی بعد از دریافت شکایت و محاضر کشفی از طریق مراجع ذی صلاح مربوط یا حصول اطلاع از وقوع جرم یا موجودیت قرائن مبنی بر وقوع آن، به تحقیق قضایی جرمی می‌پردازد.

۱-۱. گزارش کارکنان ادارات دولتی

یکی از موارد که می‌تواند سبب آغاز تعقیب جرایم مالی کارکنان دولت گردد، گزارش کارکنان دولتی است. بر اساس بند ۲ ماده ۲۱ قانون اجرائات جزای موقت «کارکنان دولتی مکلف‌اند از ارتکاب هر نوع جرم که حین اجرای وظیفه مطلع می‌شوند به سارنوالی ابتدائیه راپور دهند». یکی از جرایم که کارکنان دولت در هنگام اجرای وظیفه نسبت به آن زودتر از سایرین مطلع می‌شوند همین جرایم مالی هم‌کاران خود شان هستند که به دلیل ارتباطات و وظیفوی ممکن است به آن آگاهی پیدا نمایند.

۱-۲. در خواست اداره عالی مبارزه با فساد اداری

اداره عالی مبارزه با فساد اداری به عنوان عالی ترین نهاد نظارتی، در مورد مبارزه با فساد اداری در کشور به شمار می‌آید، این اداره در اجرای وظایف خود مستقل بوده و تنها نزد رییس جمهور مسئول و پاسخ‌گو می‌باشد (قانون نظارت بر تطبیق مبارزه علیه فساد اداری، ماده ۴ و ۹) این اداره وظیفه بازرسی از ادارات را به عهده دارد که توسط موظفین اداره و با همکاری اداره تفتیش و کنترل انجام می‌دهد. بر اساس قانون یاد شده «هرگاه در نتیجه بررسی، موظف خدمات عامه در ارتباط با فساد اداری مظنون واقع شود، غرض تعقیب

عدلی به ثارنوالی معرفی می‌گردد (و نیز) هرگاه قاضی در اتباط به فساد اداری مظنون واقع شود یا از اجرای اموری که مکلف به انجام آن است، تخلف ورزد، اداره عالی نظارت موضوع را به ستره محکمه احاله می‌نماید.» (همان، مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۳). بنابراین گزارش اداره عالی مبارزه با فساد اداری یکی از موارد مهمی آغاز تحقیق و تعقیب در زمینه جرایم مالی کارکنان دولت به شمار می‌آید.

۱-۳. گزارش ضابطین قضایی

یکی دیگر از جهات شروع به تعقیب دعوای عمومی که بواسطه آن سارنوال (دادستان) از وقوع جرم اطلاع یافته و به ایفای وظیفه اصلی خود که همان کشف جرم، تعقیب متهمان و تحقیق از آنان است، می‌پردازد، اعلام و گزارش ضابطان قضایی می‌باشد (الهی منش و رحیمی، ج ۱، ۱۳۹۴: ۱۴۸). ضابطان قضایی، در واقع بازوی اجرایی ثارنوالی‌ها (دادسراها) و دادگاه‌ها در انجام وظایف‌شان هستند. بر اساس قانون اجرائات جزایی افغانستان، ضابطان قضایی عبارتند از: ۱- پلیس. ۲- موظف ریاست عمومی امنیت ملی ۳- مفتش (بازرس) اداره عالی تفتیش (بازرسی) ۴- موظف تفتیش داخلی وزارت‌ها و ادارات دولتی ۵- موظف اداره مبارزه علیه فساد (رک؛ قانون اجرائات جزایی مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۵). به دلیل ماهیت خاصی جرایم فساد اداری، در وزارت داخله نهاد خاص پلیس تحت عنوان «پلیس مبارزه با جرایم سنگین» ایجاد شده است که از جمله در مورد کشف و تعقیب فساد مالی و اداری کارکنان دولت فعالیت می‌کند.

۱-۴. اظهار و اقرار متهم

اقرار مرتکب جرم از معتبرترین و قطعی‌ترین وسیله برای پی بردن به وقوع جرم به شمار می‌آید، زیرا اصولاً هیچ فردی با آگاهی از عواقب محاکمه و محکومیت کیفری، با اقرار غیر واقع، خود را در معرض مجازات قرار نمی‌دهد (خالقی، ۱۳۸۸: ۴۳). البته در جرایم مورد پژوهش در این تحقیق، ممکن است گاهی به منظور منحرف کردن مسیر تحقیقات، مخصوصاً در مورد جرایم مالی متعدد و با مبالغ سنگین تر، صورت گیرد و مرتکب با اقرارهای خلاف واقع حسن نیتش را به سارنوال و یا قاضی محکمه، نشان دهد تا مانع تحقیقات بیشتر و کشف جرایم بزرگتر ارتكابی از سوی خود گردد، لذا باید بادقت و احتیاط به آنها توجه شود. اما به طور کلی اقرار و اظهارات شخص علیه خودش در جرایم مالی کارکنان دولت که از جرایم عمومی شمرده می‌شود می‌تواند به تنهای عاملی برای شروع مراحل تحقیق و تعقیب باشد.

۲) شیوه‌های خاص تحقیقات کشفی جرایم مالی کارکنان دولتی

باتوجه به پیچیدگی جرایم فساد مالی در نهادهای دولتی و اینکه افراد مرتکب چنین جرایمی از امکانات دولتی و مقام شغلی برخوردارند و برای پیشبرد اهداف مجرمانه خود از فنون مختلف سند سازی، پنهان کاری و جعل، بهره می‌گیرند، از این‌رو، غالباً شیوه‌های سنتی گرد آوری دلایل و مدارک جرم به نتایج مورد انتظار منتهی نمی‌شوند؛ لذا جهت موفقیت در مرحله کشف و تعقیب، وجود قوانین بروز تر و استفاده از روش‌های جدیدتری لازم است. در این میان، کنترل و ضبط نامه‌های الکترونیکی، شنود مکالمات تلفنی و

نظارت بر سایر ارتباطات اینترنتی، می‌تواند در راستای امر تحقیق و کشف جرم بسیار مفید باشد. اما از سوی دغدغه‌های حقوق بشری و بیم سوء استفاده از این امور و احتمال نقض ناروای حریم خصوصی افراد، سبب شده است که قانون‌گذاران در این مورد سخت‌گیری نمایند و اقدامات مخفی کشفی (مانند موارد فوق) را با رعایت شرایط به عنوان آخرین گزینه مجاز بدانند (علامه، ۱۳۹۴: ۱۷۳ و ۱۷۴).

قانون‌گذار افغانستان نیز با تبعیت از قوانین بین‌المللی و با رعایت اصل آزادی و محرمانه‌بودن ارتباطات الکترونیکی و مکاتبات افراد، اقدامات مخفی کشفی را به عنوان حالت استثنا یعنی تنها در صورتی که جمع‌آوری دلایل از طریق دیگر ممکن نباشد و یا باعث بروز مشکلات گردد، پذیرفته است (رک؛ قانون اساسی افغانستان، ۱۳۹۲: ماده ۳۷؛ قانون اجرائات جزایی: ماده ۱۱۴) و در مورد تعداد جرایم معین و مهم مانند جرایم امنیتی و تروریستی و از جمله جرایم فساد اداری، با رعایت شرایط و محدودیت‌های خاص مجاز شمرده است (همان، مواد ۱۱۳، ۱۱۵ و ۱۱۶).

۱-۲) شنود مکالمات و ارتباطات الکترونیکی

با توسعه فناوری‌های ارتباطی، حیطة شنود از مکالمات فراتر رفته و شامل بسیاری از محتواهای در حال انتقال و حتی ذخیره شده رایانه‌ای، از قبیل پیامک‌ها و یا نامه‌های الکترونیکی نیز می‌شود. بنا براین در صورتی که شنود ضرورت قانونی پیدا کند، این امکان وجود دارد که محتوای در حال انتقال در سامانه‌های مخابراتی، اعم از تلفن، تلفن همراه، پیامک و نیز نامه الکترونیکی را زیر نظر قرار دهند. به عبارت دیگر، همه مکالمه‌ها، پیامک‌های نوشتاری (S.MS) و ارتباط از طریق اینترنت، می‌توانند مورد شنود و نظارت قرار گیرند. بنابراین منظور از شنود، اطلاع یافتن عمدی از محتوای در حال انتقال در سامانه‌های مختلف رایانه‌ای، الکترو مغناطیسی و نوری و در یک کلام، الکترونیکی است (ساریخانی، ۱۳۹۵: ۳۲ و ۳۳).

ارتباطات الکترونیکی مانند مکالمات تلفنی، نامه‌های الکترونیکی افراد، جزو حریم خصوصی و حقوق اولیه افراد شمرده می‌شود، لذا از حمایت قانونی برخوردار است و هیچ کس به شمول دولت حق ندارد بدون مجوز قانونی به تجسس در مکالمات و ارتباطات مخابراتی و تفتیش در مکاتبات اداری و پستی افراد بپردازند. از این رو، قانون‌گذار افغانستان، شنود را تنها در مورد جرایم معین (ذکر شده در ماده ۱۱۳ قانون اجرائات جزایی) با شرایط و محدودیت زمانی و مکانی مجاز شمرده است که از جمله آن جرایم مهم، جرایم فساد اداری می‌باشد.

۲-۲) نظارت الکترونیکی و استفاده از دوربین‌های مدار بسته

نظارت الکترونیکی شامل گردآوری اطلاعات از طریق ابزارهای الکترونیکی و دوربین‌های مدار بسته است؛ فنون مانند نصب نرم افزارهای کنترل کننده ارتباطات تلفنی و الکترونیکی و دسترسی به منبع اطلاعات و دیتابیس فعالیت‌های ادارات و همچنین نصب دوربین‌های مدار بسته برای کنترل رفتارها و فعالیت‌های فیزیکی افراد متهم و شناسایی شرکا و حتی شاهدان قضیه مورد نظر از موارد است که برای

پولیس و مأمورین ضبط قضایی در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی بسیار کمک کننده است. اما در بسیار از کشورها به دلیل رعایت تضمین‌های حقوق بشری، در مراحل اولیه شناسایی کار برد محدود دارند و معمولاً منع می‌شوند؛ مگر اینکه ادله متقن و جود داشته باشد که جرمی ارتکاب یافته یا در شرف وقوع است. از منظر قوانین افغانستان نیز نظارت الکترونیکی در مرحله تحقیقات غالباً در جایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که جرایم مورد نظر از جرایم مهم باشد و امکان جمع آوری دلایل اثباتی از طرق دیگر ممکن نباشد (قانون اجرائات جزایی، پیشین: ماده ۱۱۴). به هر حال اگر نظارت الکترونیکی از منظر موازین حقوق بشری، ملاحظات فنی و هزینه‌ای قابل اجرا باشد، عامل بازدارنده قدرتمندی محسوب می‌شود، زیرا افراد همواره این احتمال را می‌دهند که از رفتارهای آنها نظارت می‌شوند و مکالمات شان در معرض شنود قراردارند و اگر مبادلات فاسد انجام شود، به عنوان دلیل به آن استناد خواهد شد (مهدوی‌پور، پیشین: ۲۴۰ و ۲۴۱).

۳-۲. بازرسی اسناد و مدارک بانکی و مرتبط با قرار دادها

قراردادها و معاملات دولتی یکی از موارد آسیب پذیر در برابر فساد است، به دلیل مبالغ بسیار بالای این نوع معاملات و قراردادهای، در صد بالای از فساد مالی و رشوه در کشورها، در اداره تدارکات و قراردادهای مالی دولت صورت می‌گیرد. بنابراین یکی دیگر از موارد اقدامات مخفی به منظور کشف جرایم و از جمله جرایم مالی کارکنان دولتی، نظارت بر معاملات مالی مسئولین امور مالی و اداره تدارکات و قراردادهای دولتی می‌باشد، که این نظارت می‌تواند از طریق بانک‌ها یا سایر مؤسسات مالی و تجارتي صورت می‌گیرد. تفتیش اسناد مکتوب، و حساب‌های بانکی و نظارت بر محموله‌های غیر قانونی یا مشکوک از جمله موارد مهم است که پولیس و اداره عالی مبارزه با فساد را در کشف جرایم و شناسایی متهمان پرونده فساد مالی کمک می‌کند.

۴-۴. دام گستری یا محیلات پلیس (Entrapment)

در برخی از جرایم، کشف جرم بنا به دلایل مختلف، کار سخت و پیچیده‌ی است، به گونه‌ای که مأموران ثارنوالی و پلیس با استفاده از روشهای سنتی کشف جرم، موفق به کشف اکثر آنها نخواهند شد. از این رو از حالت انفعالی خارج شده و تحقیقات خود را به صورت فعالانه سامان می‌دهند. جرایم بدون بزه دیده (مانند جرایم مواد مخدر) یا دارای بزه دیده اعتباری و جرایم توأم با رضایت طرفین (مانند جرم رشا و ارتشا)، از این دسته هستند. برای مقابله با «کار آمدی روش‌های سنتی کشف جرم، مأموران اجرای قانون به روش‌های تحقیقی رو آورده اند که در آنها گزارش و شهادت در مورد جرم، توسط خود شان صورت می‌گیرد؛ روشی که در آن پیش‌گیری و تحقیق در مورد جرم هم زمان صورت می‌گیرد، این همان عرصه اجرای فعالانه قانون است که به‌طور فزاینده‌ای برای انواع مختلف جرایم به کار می‌رود (مهدوی‌پور، پیشین: ۲۴۱).

در مرحله اثبات جرایم فوق، پلیس و مقامات قضایی به دام گستری و یا روش‌های محیلانه روی می‌آورند، از جمله این اقدامات می‌توان به تکنیک‌های روان‌شناسی مثل پلیس خوب و یا بد اشاره کرد، در

این تکنیک پلیس به مظنون تشریح می‌زند و دیگری سعی می‌کند نشان دهد که می‌خواهد مظنون را از دست او خلاص کند، در این حالت افراد مایل می‌شوند که حقیقت را بگویند و با کسی که احساس می‌کنند حامی آن‌ها است حرف بزنند، تا در نهایت با توجه به این اطلاعات جرم او اثبات گردد. یکی دیگر از این اقدامات، روش‌های محیلانه پلیس برای دستگیری افراد مظنون به ارتکاب برخی جرایم است، مانند عملیاتی که برای افراد مظنون به رشوه در دستگاه دولتی صورت می‌گیرد (پیرانی، ۱۳۹۵: ۹ و ۱۰).

بنابراین، ضروری است که قانون‌گذاران به این امر توجه نمایند و ابزارهای قانونی لازم را در این زمینه بارعایت حقوق متهم و مظنونان و مصالح کشور، در اختیار نیروهای کشفی قرار دهند. البته امروزه قانون‌گذاران نیز به این امر توجه نموده و حد اقل در برخی از جرایم (مانند جرایم مواد مخدر و جرایم امنیتی) به استفاده از چنین روش‌های کشفی توسط پلیس اتفاق نظر وجود دارند. به همین دلیل، قانون‌گذار بین المللی در کنوانسیون مریدا در زمینه مبارزه با فساد، تدبیر فوق را در بند ۱ ماده ۵۰ پیش بینی کرده است و این کنوانسیون از سوی بسیار از کشورهای پذیرفته شده است و در قوانین داخلی آن‌ها نیز چنین تدابیر با تفاوت‌های قابل مشاهده است (رک؛ همان: ۱۰، ۱۶، ۴۶ و ۶۵). در افغانستان نیز استفاده از اقدامات مخفی کشفی، در برخی از جرایم معین از جمله جرایم فساد اداری مجاز شمرده شده است. اما در مورد دام گسترده و شیوه‌های محیلانه پلیس در کشف جرم حکم روشن و صریح در قوانین مشاهده نمی‌شود. اما در عمل پلیس در برخی موارد ناگزیر است از چنین روش‌های بهره‌گیر، از این رو، لازم است که قانون‌گذار در این مورد تدابیر روشنی را پیش بینی نماید.

د: تشریفات خاص رسیدگی در مرحله محاکمه و پس از آن

بعد از مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در سارنوالی (دادسرا)، مرحله رسیدگی در دادگاه است. در این مرحله رسیدگی به جرایم مالی کارکنان دولت، از نظر شکلی در بسیار موارد تابع قواعد کلی قانون اجراءات جزایی می‌باشد، اما رویکرد قانون‌گذار افغانستان با تأسیس سارنوالی و محکمه اختصاصی مبارزه با فساد اداری و پیش بینی برخی تدابیر خاص، نشان دهنده اتخاذ یک سیاست کیفی افتراقی در این زمینه است. جلوه‌های از این سیاست افتراقی، در زمینه جرایم مذکور و از جمله جرایم مالی کارکنان دولت در ادامه بیان می‌شود.

۱) دادرسی افتراقی در مرحله محاکمه

وجود محکمه اختصاصی، حمایت از شهود، تشدید مجازات با توجه به وظیفه و ممنوعیت صدور حکم تعلیقی، برخی از تدابیر خاص است که در مرحله محاکمه و صدور حکم (دادرسی به معنای خاص) در قلمرو جرایم مالی کارکنان دولت، مشاهده می‌شود. هریک از تدابیر خاص فوق در زیر به صورت جداگانه بررسی می‌گردد.

۱-۱. حمایت از شهود

شهادت و گواهی گواهان در حقوق اسلامی یکی از مهم‌ترین ادله اثبات در امور مدنی و کیفری می‌باشد، در حقوق موضوعه و عرفی نیز شهادت مطلعان در کنار قرائن دیگر نقش مهمی در اثبات جرایم دارد (تدین: ۳۴۱ و ۳۴۲). کار برد این دلیل در اثبات جرایم اقتصادی اهمیت بیش‌تری دارد، این امر به دلیل پیچیدگی جمع‌آوری ادله و دشواری کسب اقرار از سوی این دسته از مجرمان است. اما به دلیل قدرت نفوذ مجرمان اقتصادی و جایگاه شغلی مجرمان جرایم فساد مالی، گواهان نیازمند حمایت‌های ویژه هستند، زیرا این گروه از نقش گواهی گوان در اثبات اتهام‌شان به خوبی مطلعند، لذا تلاش می‌کنند تا با تطمیع، تهدید و اقدامات عملی نسبت به گواهان و اطرافیان‌شان، آن‌ها را از ادای شهادت در محکمه باز دارند. از این‌رو لازم و ضروری است که تدابیر خاصی از سوی نهادهای قضایی در مورد حفاظت جسمانی و روانی شهود در این زمینه، مد نظر گرفته شود. در این زمینه کنوانسیون‌های مختلف از جمله مریدا و پالمو، کشورهای عضو را ملزم نموده تا اقدامات مقتضی را در حد توان و مطابق نظام حقوقی خود علیه انتقام‌جویی و تهدید شهود اتخاذ کنند (مهدوی‌پور، پیشین: ۲۵۴). در قوانین افغانستان نیز برای حمایت از شهود و اطلاع دهنده تدابیر خاصی پیش بینی شده است؛ از جمله در ماده ۱۴ قانون مبارزه با فساد اداری از شخص اطلاع دهنده و شاهد هم در مرحله کشف و تحقیق و هم در مرحله محاکمه حمایت صورت گرفته و هرگونه افشای هویت اطلاع دهنده، شاهد، اهل خبره و ارائه کننده اسناد و مدارک بدون رضایت آن‌ها ممنوع شده است. در کد جزای افغانستان، از شهود حمایت کیفری صورت گرفته است به همین منظور در فقره ۴ و ۵ ماده ۱۴ این قانون، برای تهدید اطلاع دهنده و شاهد نسبت به ارائه اطلاع و مدارک، مجازات حبس متوسط تا سه سال پیش بینی کرده است. طبق ماده مذکور در صورت که این تهدید منجر به صدمه جسمی و مالی شهود گردد علاوه بر آن بر جزای همان جرم نیز محکوم می‌شود. در قانون اجرائات جزایی، نیز در صورت وجود خطر نسبت به شهود، اقدامات محافظتی ذیل پیش بینی شده است.

۱-۲. به کارگیری محکمه اختصاصی و قضات متخصص

کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مالی (مریدا) در مورد استفاده از قضات متخصص و محکمه اختصاصی به منظور مبارزه بهتر با فساد مالی توصیه نموده و از کشورهای عضو خواسته است که علاوه بر ایجاد مراجع تخصصی رسیدگی به این جرایم، قضاتی را نیز که از حیث علمی و عملی در حوزه جرایم یاد شده دارای تخصص و مهارت لازم می‌باشند برای رسیدگی به جرایم مذکور مأمور نمایند (ماده ۳۶ کنوانسیون مریدا). قانون‌گذار افغانستان نیز با پیروی از کنوانسیون مریدا، به هدف مبارزه مؤثر با جرایم فساد اداری، نهادهای اختصاصی مبارزه با فساد را در قانون مربوط پیش بینی نموده و به کارگیری قضات متخصص را نیز در این زمینه مورد توجه قرار داده است. در ماده ۱۷ قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، در زمینه استفاده از قضات متخصص چنین آمده است: «اداره عالی نظارت به منظور مبارزه مؤثر و

فعال، زمینه آموزش تخصصی کارکنان خود و سایر ادارات ذی ربط، سارنوالی و قضاتی را که در کشف و رسیدگی قضایای فساد اداری ذی دخل می باشند فراهم می نماید.»

۳-۱. تشدید مجازات با توجه به وظیفه و سمت عمومی

این مورد از کیفیات مشدده شخصی به شمار می آید و صرفاً باعث تشدید مجازات اشخاصی می شود که دارای آن صفت خاص باشند (مهدوی پور، پیشین: ۲۱۲). یکی از مهم ترین موارد کیفیات مشدده در قلمرو جرایم کارکنان دولت، فقره ۴ ماده ۲۱۸ کد جزا به شمار می آید. طبق ماده یاد شده در صورتی که موظف خدمات عامه با استفاده از حیثیت و نفوذ رسمی خود مرتکب جرم گردد، یکی از موارد مشدده عمومی محسوب می شود و جرایم موظفین خدمات عامه و کارکنان دولت با استفاده از حیثیت و وظیفوی، صرفاً به دلیل کارمند بودن شخص مرتکب تشدید می شود.

۴-۱. ممنوعیت تعلیق تنفیذ حکم

تعلیق اجرای حکم، یکی از تدابیر ارفاقی و اصلاحی است که به منظور تشویق مرتکب به اصلاح رفتارهای وی در ماده ۲۰۵ قانون اجراءات جزایی، نسبت به برخی مرتکبان جرایم جنحه، پیش بینی شده است. با تصویب قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، در فقره ۱ ماده ۱۵ این قانون صدور چنین حکمی را برای مرتکبین جرایم فساد اداری ممنوع کرده است.

هـ. افتراقی شدن رسیدگی در مرحله اجرای حکم

آخرین مرحله فرایند کیفری، اجرای حکم است. حکمی که صادر می شود محصول عمل کرد سارنوالی (دادسرا) و محکمه است. با اجرای حکم در واقع سارنوال، ثمره تلاش های مربوط به تعقیب و رسیدگی را برداشت می کند و اجرای حکم به بزهکاران و سایر افراد جامعه این پیام را می رساند که سرانجام ارتکاب جرم، تحمل کیفر است و اجرای حکم به نوعی باز دارندگی مجازات و سایر آثار آن را نیز به نمایش می - گذارد (رحمدل، ج ۳، ۱۳۹۴: ۲۰۹). قانون گذار افغانستان در مورد جرایم مالی کارکنان دولت علاوه بر مراحل تحقیقات، محاکمه و اجرای حکم نیز سیاست افتراقی را برگزیده است، از این رو تدابیر راهبردهای سخت گیرانه را در این مرحله پیش بینی کرده است، در این مرحله بر اجرای حکم تأکید نموده و استفاده از برخی مکانیسم های تخفیف مجازات را ممنوع نموده است. ممنوعیت استفاده از تدابیر تعلیق مجازات، ممنوعیت استفاده از بدیل های مجازات حبس و عدم شمول فرمان عفو و یا تخفیف رییس جمهور، از جلوه های سیاست افتراقی اتخاذی از سوی دولت افغانستان در این مرحله می باشد (قانون اجراءات جزایی: بند ۱ ماده ۳۲۸)

نتیجه

تدابیر و اقدامات سنجیده در مراحل رسیدگی و سازوکارهای قضایی مناسب، در موفقیت سیاست جنایی تقنینی و تدابیر اتخاذی دولت ها در مرحله تقنین و سیاست گذاری، نقش بسیار مهم و تعیین کننده دارد. آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت نشان می دهد که قانون گذار افغانستان در دوره جمهوری اسلامی با توجه به گسترش فساد اداری و جرایم مالی در قلمرو ادارات دولتی و پیامدهای بسیار ناگوار آن،

به نقش تعیین کننده نهادهای قضایی و کشفی در این زمینه توجه نموده و به یک سیاست جنایی قضایی افتراقی روی آورده است. چنان که در این پژوهش بررسی شد؛ پیش بینی محاکم خاص مبارزه با جرایم مقامات عالی دولتی و قضایی و تأسیس محاکم و نهاد سارنوالی (دادگستری) و پلیس جنایی اختصاصی در این زمینه از جلوه‌های سیاست افتراقی دولت در مبارزه با جرایم یاد شده می‌باشد. اما آنچه که در موفقیت نهادهای یاد شده تأثیرگذار است، برخورد قضایی فراگیر، شفاف، سریع و قاطع با مفسدان و مرتکبان جرایم مالی مورد بحث می‌باشد، امری که متأسفانه تا هنوز چنان که باید در نهادهای قضایی و عدلی افغانستان مورد توجه قرار نگرفته است.

فهرست منابع

۱. پیرانی، محمد، دام گستری در مرحله کشف جرم و تعیین مسئولیت، تهران: اندیشگان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۲. تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۳. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۴. دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، کابل، موسسه تحصیلات عالی ابن سینا بلخی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۵. _____، حقوق اداری افغانستان، کابل، موسسه تحصیلات عالی ابن سینا بلخی، ۱۳۹۲.
۶. دانشکده حقوق دانشگاه ستانفورد، مبادی حقوق جزای افغانستان، (پروژه تعلیماتی حقوقی ۲۰۰۷-۲۰۱۲) ترجمه؛ شرکت خدماتی حقوقی ایلیت، ویرایش دوم.
۷. رحمدل، منصور، آیین دادرسی کیفری، نشر دادکستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۸. ساریخانی، عادل، جایگاه شنود در نقض حریم خصوصی از منظر فقه و حقوق؛ تأملی بر کتاب «بررسی احکام فقهی و حقوقی استراق سمع»، فصلنامه نقد کتاب (فقه و حقوق)، بهار ۱۳۹۵.
۹. سلیمی، مهدی، آیین دادرسی کیفری ۲، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۰. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، سمت، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۷.
۱۱. علامه، غلام حیدر، عدالت جزایی در افغانستان (مجموعه مقالات)، تهران: عرفان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۲. _____ اصول محاکمات جزایی افغانستان، کابل، انتشارات دانشگاه ابن سینا بلخی، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۳. قانون اجراءات جزایی موقت افغانستان، مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۴.
۱۴. قانون اجراءات جزایی افغانستان، مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۵.
۱۵. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲.
۱۶. قانون تشکیل و صلاحیت سارنوالی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱۸.
۱۷. قانون تنظیم سارنوالی، ۱۳۴۳.
۱۸. قانون محاکم خاص مصوب (۱۳۹۲).
۱۹. قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری، مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶.
۲۰. قیاسی، جلال‌الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۱. کنوانسیون مریدا، سازمان ملل متحد (۲۰۰۳م).
۲۲. لازرژ، کریستین، در آمدی بر سیاست جنایی، ترجمه نجفی آبرند آبادی، تهران: میزان، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
۲۳. محمد رضا الهی منش و محمد مهدی رحیمی، آیین دادرسی کیفری، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۴. محمد رضا الهی منش، محسن مرادی، حقوق کیفری اختصاصی ۲، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۲۵. محمدی تمکی، عبدالعلی، حقوق اداری افغانستان، تهران، موسسه انتشارات عرفان، ۱۳۹۰.
۲۶. مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران: میزان، چاپ اول. (۱۳۹۰)
۲۷. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶).